



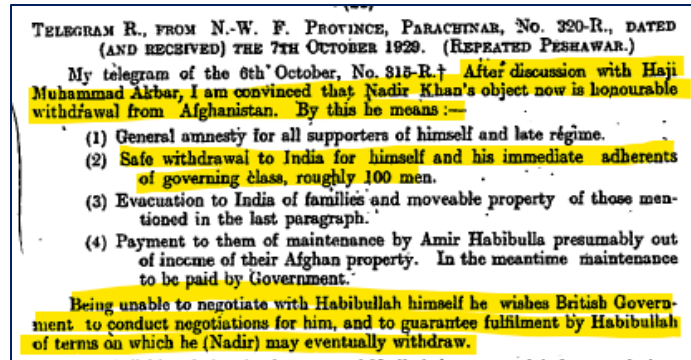
شنبه، ۱۲ فیبروری ۲۰۲۲

داکتر عبدالرحمن زمانی

کمک خواهی از انگلیس ها و شرایط نادرخان برای دست کشیدن از جنگ با سقوی ها

(از لابلای اسناد آرشیف انگلستان)

طوریچه در قسمت های قبلی هم دیده شد، بعد از شکست های متواتر هفت ماهه، نادر خان به فکر دستبرداری از جنگ افتاده و به کمک و میانجیگری انگلیس ها یکی از شرایط پیشنهادی اش هم رهائی فامیل هایش از جنگ سقوی ها و انتقال آن به جای امن خارج از کابل بود. درین جا چند سند مهم محرمانه دیگر مربوط به دفتر هند بریتانوی را که از محرمیت برآمده و از آرشیف انگلستان نقل شده است، بدون تبصره و تحلیل خدمت علاقمندان تاریخ معاصر کشور عزیزمان تقدیم میکنم تا خود بخوانند و اصلیت و چهره اصلی سپه سالار نادرخان (بعدا نادرشاه) را بدانند.



در کاپی فوق یکی از تلگرام های دیگر میکوناچی، ایجنت سیاسی انگلیس از پاراچنار، هم میخوانیم که « من بعد از مذاکره با حاجی محمد اکبر به این نتیجه رسیدم که هدف فعلی نادر خان خروج ابرومندان از افغانستان است. هدف [نادرخان] عبارتست از :

۱. عفو عمومی به تمام حامیان خودش و رژیم گذشته.
۲. مصونیت خروج خود [نادرخان] و متعلقین طبقه حاکم وی، تقریباً حدود یکصد مرد.
۳. تخلیه خانواده ها و دارائی منقول او و آنهائیکه در پاراگراف اخیر [۲] ذکر شده اند، به هند.
۴. پرداخت مصارف شان توسط حبیب الله از عواید دارائی های شان در افغانستان. در عین حال حکومت [هند بریتانوی] مصارف شان را خواهد پرداخت.

چون او خودش نمیتواند با حبیب الله مذاکره کند، از حکومت بریتانیا میخواهد این مذاکرات را برایش انجام داده و شرایطی را که مطابق به آن نادر خان از افغانستان برآید، از طرف حبیب الله تضمین کند». (تلگرام شماره ۳۲۰ مؤرخ ۷ ماه اکتوبر ۱۹۲۹ از پاراچنار ایالت سرحدی شمال غربی).

مقامات انگلیسی به نادرخان هوشدار میدهند که «در چنین موارد بسیار حساس برای حکومت بریتانیا نا ممکن خواهد بود تا بدون اینکه اختیار کتبی نادر را برای انجام این مذاکره با شرایط مشخص او داشته باشند، اقدام نمایند». (تلگرام شماره ۳۰۳۹ مؤرخ ۸ اکتوبر حکومت ایالت سرحدی شمال غربی).

TELEGRAM R., FROM N.-W. F. PROVINCE, PARACHINAR, No. 52-R., DATED (AND RECEIVED) THE 8TH OCTOBER 1929.

(31). Your 3039-S.C. Haji has left. I understand Nadir Khan is concealing these overtures from his followers, and it would not be safe to send written message. After long conversation with myself and Campbell, Haji is well aware of facts stated in your message.

در تلگرام بعدی همان روز از ایجنت سیاسی میخوانیم که «حاجی رفته است. من میفهمم که نادر این کار هایش [استمداد از انگلیس ها و دست کشیدن از جنگ با سکوی ها-زمانی] را از پیروانش پنهان میکند، و فرستادن پیغام های تحریری خالی از خطر نخواهد بود. بعد از مذاکرات طولانی با خود من و «کمپیل»، حاجی از محتوای حقایق ذکر شده در پیغام شما بخوبی واقف است». (تلگرام شماره ۵۲، مؤرخ ۸ ماه اکتوبر سال ۱۹۲۹)

EXPRESS LETTER FROM NORWEL, PESHAWAR, No. 2670-P. S./37-24, DATED THE 8TH OCTOBER 1929. (SECRET.)

General Nadir Khan.

Reference—Correspondence ending with my telegram 320-R. of 7th October 1929 (Serial No. 26.)

Copy of a note No. 943-S., dated the 5th October, 1929, from the Political Agent, Kurram, with my marginal notes is forwarded herewith.

COPY OF A NOTE FROM THE POLITICAL AGENT, KURRAM, TO THE HON'BLE THE CHIEF COMMISSIONER, NORTH-WEST FRONTIER PROVINCE, No. 943-C., DATED THE 5TH OCTOBER 1929.

Haji Mohammad Akbar produced some pencil notes before me the substance of which I give below. They were in the first person as from Nadir Khan himself :-

- (1) I express my gratitude to the Government of India for their reply and thank them for the sympathy shown to me in my difficulties.
- (2) Although Government of India on account of their policy of neutrality have not acceded to my other requests and have only given me a reply as to the question of my safety yet for this in itself I am grateful.
- (3) Before sending a written reply to the question of my safety, it seems necessary to clear up the following doubts so that at the time of negotiations there may be no room for mistake:
- (4) If Government of India will refer to my previous message they will see that I have put 3 conditions precedent to my withdrawal which are as follows :-
 - (a) Guarantee for the peace of Afghanistan, i.e., amnesty for all who have supported opponents of Bacha Saqao.
 - (b) Withdrawal of my family and the families of my friends in Kabul to a place of safety.
 - (c) Arrangements for the maintenance of the above and decision as to the locality in which they will reside.
- (5) From the answer which I have received it appears that Government considers that (a) is beyond its power: With regard to (b) I am asked to give a written reply and have been referred to the precedent of Inayatullah Khan—'Mun-ul-Saltanat'. With regard to (c) I have received no reply.
- (6) As to (b) the matter is clear and calls for no discussion but for (a) and (c) I wish to represent as follows :-
It is to conform to the wishes of the Government of India that I prefer peaceful negotiations between myself and the 'Bacha' and not I am incapable of continuing the struggle.
- (7) Government of India will realise that if I and my family withdraw from Afghanistan, then my friends and their relatives

who have assisted me and the tribes who have joined me and defeated the forces of 'Bacha' will be subjected to his tyranny on my withdrawal, for which responsibility will be laid at my door and my face will be blackened in the eyes of the world. For this reason I cannot withdraw until the safety of all Afghanistan is guaranteed, i.e., a general amnesty. I trust that the Government of India which is just and fair will share this view.

- (8) Government of India will know that all my property and that of my family and friends is in the hands of the 'Bacha' so all these people would be unable to arrange for their own maintenance on withdrawal. If we should draw from Afghanistan as contemplated by the Government of India, I cannot understand how we should eke out our existence and where, without the help of Government. That is the reason why I raised the question of maintenance which I now repeat.
- (9) I wish now to point out that if these people, with the help of the Government of India, withdraw then according to international custom, a guarantee for the restoration of their property or compensation therefor be given to them by the Bacha through the Government of India. This is estimated at Rs. 45,00,000 Kabul. I would also demand the expenses incurred in the struggle for which I borrowed money.
- (10) If the Government of India in their capacity of arbitrator intervene in this affair then I do not consider this will be in contravention of their policy of neutrality.
- (11) I put these conditions forward having regard to the present state of affairs. (The Haji explains that the meaning of this sentence is that the above conditions would not be binding on Sardar Nadir Khan unless negotiations end in a peace accepted by both parties).
- (12) If the Government of India in justice approve of these conditions and negotiate accordingly, I will be prepared to send a written undertaking and for this I will ever be grateful to Government.

With regard to point (c) mentioned above it was pointed out to the Haji that in Nadir Khan's previous message this point had not really been raised and showed him the phrase used by him in his previous message which runs as follows :-

"Will come to whatever place the Government of India will provide for me".

He did not insist that it had been included in the previous message but stated that it was now a matter that would necessarily have to receive consideration.

I have told him he can go and we will send word when there is an answer.

I have instructed the Haji to wait in Parachinar pending further orders from you.

H. N. BOLTON.

در کاپی یک مکتوب عاجل دیگر درینجا میخوانیم که نادرخان هم بدون آنکه اختیار نامه یا وکالت نامه تحریری بفرستد، یادداشت های پینسلی ایرا فرستاده و در آن فرستادن تعهد تحریری را به قبولی شرایط دیگرش از طرف انگلیس ها وعده میدهد. درین مکتوب آمده است که «حاجی محمد اکبر چند یادداشت به قلم پینسل را در اختیار من قرار داد که توسط شخص اول از خود نادر خان بوده و مفاد آن قرار آتیست:

۱. من از حکومت هند برای پاسخ آنها تشکر می کنم و از آنها برای همدردی با من در مشکلاتم مشکور میباشم.

۲. اگرچه حکومت هند به دلیل سیاست بی طرفی خود به سؤالات دیگر من نپرداخت و فقط به سؤال امنیت من پاسخ داد، اما از این بابت هم سپاسگزارم.
۳. قبل از ارسال پاسخ کتبی به سؤال امنیت اینجانب، رفع شبهات زیر ضروری به نظر می‌رسد تا در زمان مذاکره، جای اشتباهی باقی نماند.
۴. اگر حکومت هند به پیام قبلی من مراجعه کند، خواهند دید که من سه شرط را برای کناره گیری خود قرار داده ام که به شرح زیر اند:

الف. ضمانت صلح در افغانستان، یعنی عفو همه کسانی که از مخالفان بچه سقاو حمایت کرده اند.

ب. عقب نشینی خانواده من و خانواده های دوستانم از کابل به مکان امن.

ج. ترتیبات مصارف اشخاص فوق و تصمیم گیری در مورد محل اقامت آنها.

۵. از پاسخی که دریافت کردم، چنین برمی‌آید که حکومت (الف) را خارج از قدرت خود می‌داند. در مورد (ب) از من خواسته می‌شود که پاسخ کتبی بدهم و به سابقه عنایت الله خان ارجاع شده ام. با توجه به (ج) من هیچ پاسخی دریافت نکردم.
۶. در مورد (ب) موضوع روشن است و نیازی به هیچ بحثی ندارد، اما برای (الف) و (ج) من حاضرم شرح ذیل را تقدیم کنم:

این در مطابقت با خواسته های حکومت هند است، من مذاکرات صلح آمیز بین خود و بچه سقاو را ترجیح می‌دهم و قادر به ادامه مبارزه نیستم.

۷. حکومت هند متوجه خواهد شد که اگر من و خانواده ام از افغانستان عقب نشینی کنیم، دوستان و وابستگانم که به من کمک کرده اند و قبایلی که به من پیوسته اند و نیروهای «بچه [سقاو]» را شکست داده اند، در هنگام عقب نشینی من مورد ظلم و ستم او قرار خواهند گرفت، که مسئولیت آن به دوش من گذاشته می‌شود و روی من در چشم جهانیان سیاه می‌شود. به همین دلیل تا زمانی که امنیت تمام افغانستان تضمین نشود (یعنی عفو عمومی) نمی‌توانم عقب نشینی کنم. من اعتماد دارم که حکومت هند که عادل و منصف است با این دیدگاه موافق خواهد بود.
 ۸. حکومت هند می‌داند که تمام دارایی من و خانواده و دوستانم در دست «بچه [سقاو] است، بنابراین همه این افراد نخواهند توانست بعد از خروج از عهده مصارف شان برآیند. من نمی‌فهمم که اگر ما، طوری که حکومت هند در نظر دارد، از افغانستان بیرون بیاییم، چگونه و در کجا بدون کمک حکومت [بریتانیا] میتوانیم زندگی کنیم. به همین دلیل است که من سؤال تامین معشیت را مطرح کردم که اکنون آنرا تکرار می‌کنم.
 ۹. اکنون می‌خواهم به این نکته هم اشاره کنم که اگر این افراد با کمک حکومت هند عقب نشینی کنند، طبق آداب بین المللی، ضمانت بازگرداندن اموال یا معاوضه آن توسط «بچه» از طریق حکومت هند به آنها داده شود، که مقدار آن ۴,۵۰۰,۰۰۰ روپیه کابلی تخمین زده شده است. من همچنین خواستار مصارفی هستم که برای جنگ آنرا قرض گرفته ام.
 ۱۰. اگر حکومت هند به عنوان داور خود در این امر دخالت کند، من این را مغایر با سیاست بی طرفی آنها نمی‌دانم.
 ۱۱. من این شرایط را با توجه به وضعیت فعلی مطرح می‌کنم.
 ۱۲. اگر حکومت هند با عدالت این شرایط را تایید کند و بر اساس آن مذاکره کند، از حکومت سپاسگزار خواهم بود.
- با توجه به نکته (ج) که در بالا ذکر شد، به حاجی متذکر شدم که در پیام قبلی نادرخان واقعاً این نکته مطرح نشده بود و عبارتی را که در پیام قبلی خود به کار برده بود به او نشان دادم که به شرح زیر است:

"به هر جایی که حکومت هند برای من فراهم کند، خواهم آمد".

او اصرار نداشت که در پیام قبلی گنجانده شده باشد، اما اظهار داشت که اکنون موضوعی است که لزوماً باید مورد توجه قرار گیرد. من به حاجی دستور داده ام که در پاراچنار منتظر دستورات بعدی شما باشد». (اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب عاجل شماره ۲۶۷۰ مؤرخ ۸ اپریل ۱۹۲۹).

منابع

- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۲۰ مؤرخ ۷ ماه اکتوبر ۱۹۲۹ از پاراچنار ایالت سرحدی شمالغربی
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۳۰۳۹ مؤرخ ۸ اکتوبر حکومت ایالت سرحدی شمال غربی.
- اسناد آرشیف انگلستان، تلگرام شماره ۵۲، مؤرخ ۸ ماه اکتوبر سال ۱۹۲۹.
- اسناد آرشیف انگلستان، اسناد آرشیف انگلستان، مکتوب عاجل شماره ۲۶۷۰ مؤرخ ۸ اپریل ۱۹۲۹.